



سه‌شنبه-۱ اردیبهشت ۱۴۰۵- سال دوازدهم - شماره ۲۴۶۶

## ۲ دانش دریا

#### پژوهش

**گونه‌ای از ماهی که فقط «ماده» است!**



دانشمندان یک گونه از ماهی‌ها را معرفی کرده‌اند که فقط جنس ماده دارد و بسدون برقراری رابطه جنسی و با شبیه‌سازی خود، تولید مثل می‌کند.
پسه گزارش اقتصادسراسر آمد، ماهی «مولی آمازون»(Amazon molly) بیش از صد هزار سال است که بدون ایجاد جهش‌های مضر، خود را شبیه‌سازی می‌کند.
آب‌های گرم مکزیک و تگزاس محل زندگی ماهی کوچکی است که بیش از ۱۰۰ هزار سال است که چیزی جز جنس ماده تولید نکرده است و جنس نر در آن دیده نمی‌شود. اساساً فرزندان این نوع ماهی کمی ژنتیکی دقیقی از مادر خود هستند و هیچ پدری در آن دخیل نیست.

بنا بر گزارش ایسنا، ظریه‌های تکاملی و تکوینی پیش‌بینی می‌کنند که چنین موجودات غیرجنسی و شبیه‌ساز به دلیل تجمع جهش‌های مضر باید به سرعت منقرض شوند. تولید مثل جنسی مرسوم، به گسترش ویژگی‌های مفید کمک می‌کند و ویژگی‌های مضر را در یک گونه از بین می‌برد و از آنجایی که هیچ اختلاطی بین دی‌ان‌ای با جفت‌های آنها وجود ندارد، جهش‌های مضر در مولی‌ها را نمی‌توان به طور مؤثر از بین برد.

مدل‌ها و شبیه‌سازی‌های مختلف تخمین می‌زنند که زمان انقراض پسرای گونه‌هایی که اختلاط ژنتیکی ندارند، کمتر از ۱۰ هزار سال است و با این حال، مولی‌های آمازون با نام علمی «Poecilia Formosa»، بسیار فراتر از این تخمین‌ها زنده مانده‌اند.

ادوارد رایس مایسر(Edward Ricemeyer)، یکی از نویسندگان این مطالعه می‌گوید: قرار نیست تولید مثل غیرجنسی به تنهایی در درازمدت مؤثر باشد، اما ماهی‌هایی که ما مطالعه کردیم، بیش از صد هزار سال است که منحصر به صورت غیرجنسی تولید مثل می‌کنند.

محققان می‌گویند مولی آمازون از یک جفت‌گیری هیبریدی بین دو گونه جنسی، یک ماده Poecilia mexicana و یک نر Poecilia latipinna به وجود آمده است. اگرچه مولی آمازون هنوز برای شروع رشد جنین نیاز به تعامل با اسپرم‌های سایر گونه‌های نزدیک دارد، امادی‌ان‌ای نر با دی‌ان‌ای تخشک ادغام نمی‌شود. بنابراین، اسپرم هیچ ماده ژنتیکی ارائه نمی‌دهد. این امر هنوز منجر به زوال جهشی عملکردی نشده است.

وی می‌افزاید: این مطالعه که ماه گذشته در مجله Nature منتشر شد، توضیح می‌دهد که چگونه این ماهی‌ها می‌توانند از سرنوشت پیش‌بینی‌شده انقراض خود جلوگیری کنند.

رایس مایسر و همکارانش برای درک اینکه آنها چگونه از ایسن پیش‌بینی‌های ناگوار سرپیچی می‌کنند، ژنوم‌های کامل مولی آمازون و دو گونه والد آن را در سطح کروموزوم توالی‌یابی کردند. این کار به محققان اجازه داد تا هر تغییر دی‌ان‌ای را که از زمان غیرجنسی شدن این ماهی رخ داده است، ردیابی کنند.

این تیم هیچ مدرکی از تجمع جهش‌های مضر پیدا نکرد، بین دو گونه جنسی، یک ماده و جنسی خود دچار جهش شده باشد.

رایس‌مایر می‌گوید: دلیل این امر این است که آنها‌از تبدیل ژن برای رفع مشکلاتی در ژنوم خود استفاده می‌کنند که معمولاً با تغییر ژن‌ها در تولید مثل جنسی برطرف می‌شوند.

مسیرهای تبدیل ژن در ژنوم مولی گسترده بودند. محققان همچنین کشف کردند که تبدیل ژن ۰.۶ برابر بیشتر احتمال دارد که یک جهش جدید را به حالت ادغام تبدیل کند تا اینکه آن را گسترش دهد و در نتیجه اثرات مضر را به طور مؤثر پاک کند. تبدیل ژن مانند یک مکانیسم کیی و چسباندن ژنتیکی برای ترمیم دی‌ان‌ای است. اگر یک جهش مضر روی یک کروموزوم رخ دهد، ماهی اغلب آن را با یک نسخه سالم از کروموزوم دیگر خود بازنویسی می‌کند.

رایس‌مایسر توضیح می‌دهد: تبدیل ژن به‌طور تصادفی اتفاق می‌افتد و می‌تواند اوضاع را بدتر یا بهتر کند، اما نسخه‌های مختلفی از ژنوم را تولید می‌کند تا انتخاب طبیعی، گزینه‌های بیشتری برای انتخاب داشته باشد.



سرتاسر آمریکا فرو می‌ریزد، آنگاه اقدام نظامی علیه کشتنی توسکا چه عنوان حقوقی پیدا می‌کند؟ پاسخ را باید در مفهوم «صلاحیت انحصاری دولت صاحب پرچم» جستجو کرد. در حقوق دریاها، کشتنی در آب‌های آزاد همچون قلمرو سیار دولت متبوع خود تلقی می‌شود و هیچ دولت دیگری، حتی برای اجرای تحریم‌های یک‌جانبه، مجاز به ورود به آن بدون رضایت طرف ایرانی نیست. شلیک به موتورخانه، ایجاد سوراخ در بدنه و پیاده‌کردن تفنگداران مسلح بر عرشه، فراتر از هر گونه بازرسی معمول، بارزترین مصداق «نقض حاکمیت» و تعرض به صلاحیت قضایی و اجرایی ایران در قلمرو ملی خود به شمار می‌رود. این رفتار با روح و نص ماده (۴)۲ منشور ملل متحد که هر گونه تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتها را منع کرده، در تضاد کامل است. نکته حائز اهمیت آنکه آمریکا تلاش دارد این اقدام را در لافاه «اجرای تحریم‌های خانه‌داری» قالب‌بندی کند، اما تحریم‌های اقتصادی هرچند ظالمانه، به هیچ روی مجوز اشغال فیزیکی یک دارایی ملی و بازداشت اتباع یک کشور دیگر را صادر نمی‌کنند. در رویه بین‌المللی، حتی در موارد بازرسی کشتنی‌های مظنون به قاچاق یا نقض تحریم‌های مصوب شورای امنیت، اقدامات باید متناسب، موقتی و با احترام کامل به حاکمیت دولت صاحب پرچم باشد. آنچه در دریای عمان رخ داد، وارونه این اصول بود: یک حمله مستقیم، تصرف بدون مجوز و بازداشت طولانی‌مدت. از منظر حقوقی، ایران می‌تواند با استناد به ماده ۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ (مسئولیت‌دولت صاحب پرچم) و همچنین ماده ۱۱۰ (حق بازرسی محدود)، ثابت کند که آمریکا از هر دو چارچوب فراتر رفته و عملاً مرتکب یک اقدام خصمانه یک‌جانبه شده است. چنین تفسیری نه تنها موضع دیپلماتیک ایران را تقویت می‌کند، بلکه زمینه را برای شکایت به دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین اعمال اقدامات متقابل مشروع فراهم می‌آورد. آنچه این پرونده را از بسیاری حوادث مشابه متمایز می‌سازد، صراحت مقامات ایرانی در اعلام «دزدی دریایی دولتی» و رد هر گونه چارچوب تحریمی برای توجیه این تجاوز است. در واقع، توسکا تبدیل به نماد مقاومت در برابر تفسیر موعع از تحریم‌ها شده که به دولت‌ها اجازه می‌دهد به نام فشار اقتصادی، مرزهای حاکمیت ملی را زیر پا بگذارند. تأکید بر اصل آزادی دریانوردی در این مقطع، نه یک شعار، بلکه یک ضرورت ژئوپلیتیک برای حفظ نظم مبتنی بر قاعده در دریاهای آزاد است.

#### بررسی تطبیقی اقدام آمریکا با تعریف حقوقی «دزدی دریایی» و «تجاوز»

اگر از لافاه پیچیده تحریم‌های یک‌جانبه عبور کنیم و صرفاً به کنش فیزیکی نیروهای آمریکایی بر روی کشتی توسکا بنگریم، بی‌درنگ خود را با پرسشی بنیادین روبرو می‌یابیم: آیا شلیک به موتورخانه یک شاور تجاری، پیاده‌شدن تفنگداران مسلح بر عرشه آن و سپس اشغال و هدایت آن به سوی مقصدی نامعلوم، در قلمسر و تعریف حقوقی «دزدی دریایی» جای نمی‌گیرد؟ حقوق بین‌الملل عرفی و نیز ماده ۱۰۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دزدی دریایی را هر گونه عمل غیرقانونی توأم با خشونت، بازداشت یا سلب اختیار که برای اهداف خصوصی توسط سرنشینان یک کشتنی خصوصی یا دولتی متحد و با تصوب شورای امنیت مشروعت می‌یابد؛ آن هم در شرایطی که صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتاده باشد. اعلام محاصره یک‌جانبه توسط آمریکا علیه بنادر ایران نه تنها در هیچ قطعنامه الزام‌آوری بازتاب نیافته، بلکه با رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در تعارض آشکار است. از این زاویه، توسکا نه یک «نقض‌کننده تحریم»، که صرفاً یک شناور تجاری بوده که از حق مسلم خود در عبور از آب‌های آزاد بهره گرفته است. اکنون پرسش اساسی این است: وقتی مشروعیت محاصره

#### بدون شرح...



#### فریاد عجزی - اقتصاد سراسر آمد

«سراسر آمد» با استناد به حقوق دریاهابرسی می‌کند؛

# پاسخ مشروع ایران به دزدی کشتی باری «توسکا»

## حمله به «کشتی توسکا» در آب‌های آزاد؛ مصداق تجاوز یا دزدی دریایی دولتی؟

ترویرستی آمریکا را می‌دهیم.» این جمله از منظر حقوقی حائز اهمیت مضاعف است، زیرا نشان می‌دهد ایران در لحظه نخست از اعمال دفاع مشروع خودداری کرده تا به تعهدات بشردوستانه خود در قبال حفظ جان غیر نظامیان عمل نماید. چنین خودداری آگاهانه‌ای، نه به معنای سقوط حق دفاع، بلکه تأکیدی بر رعایت اصل احتیاط در مخاصمات مسلحانه تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، حق دفاع مشروع ایران نه تنها از بین نرفته، بلکه به دلیل رفتار خویشتندارانه اولیه، از مشروعیت اخلاقی و حقوقی مضاعفی نیز برخوردار شده است. اکنون که ایمنی خانواده خدمه تأمین شده، هیچ مانعی بر سر راه اعتنای تهران به این حق ذاتی وجود ندارد. آنچه باقی می‌ماند، تعیین «تناسب» واکنش است؛ قاعده‌ای که می‌گوید پاسخ جز در حد رفع تجاوز باشد و از آن فراتر نرود، اما به هیچ روی نمی‌توان آن را به معنای چشم‌پوشی از مجازات متجاوز تفسیر کرد.

در کنار دفاع مشروع مستقیم، حقوق بین‌الملل دولت قربانی تجاوز را از ابزار دیگری نیز برخوردار می‌سازد: اصل «مقابله به مثل» یا «اقدامات متقابل» (Countermeasures). بر اساس رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌هایی نظیر گایچیکو-ناگیمساروس، هرگاه دولتی مرتکب عمل غیرقانونی بین‌المللی شود، دولت زیان‌دیده می‌تواند تا زمانی که متجاوز از عمل خود دست نکشد، اقداماتی متناسب و موقتی را برای وادار کردن وی به رعایت قانون به کار گیرد. تفاوت اقدام متقابل با دفاع مشروع در آن است که اولی لزوماً نیازی به استفاده از زور ندارد و می‌تواند در قالب اقدامات اقتصادی، دیپلماتیک یا حتی توقیف دارایی‌های متقابل ظاهر شود. در ماجرای توسکا، ایران می‌تواند با استناد به این اصل، دست به توقیف شناورهای تجاری یا نظامی مرتبط با طرف متجاوز در آب‌های تحت نظارت خود بزند. این رویه پیشتر نیز در خلیج فارس سابقه داشته و دادگاه‌های داخلی ایران در پرونده توقیف نفتکش‌های متخاصم، آرای صادر کرده‌اند که بر مشروعیت چنین اقداماتی در چارچوب مقابله به مثل تأکید دارد. از منظر راهبردی، تنگه هرمز به عنوان یک آبراه بین‌المللی تحت حاکمیت و نظارت ایران، بستر مناسبی برای اعمال محدودیت‌های هدفمند علیه ترانزیت دریایی مرتبط با آمریکا فراهم می‌آورد، بی‌آنکه عبور کشتنی‌های بی‌گناه و بی‌طرف مختل شود. آنچه این رویکرد را از رفتار نسنجیده متمایز می‌کند، رعایت سه شرط اساسی است: نخست، اقدام متقابل باید پیش‌اهر چیز جنبه تنبیهی و بازدارنده داشته باشد نه انتقام‌جویانه؛ دوم، میزان آن متناسب با خسارت وارده از توقیف توسکا باشد؛ سوم، به محض توقف تجاوز توسط آمریکا، قابل تعلیق باشد. بیانیه‌های مقامات ایرانی که از «پاسخ» و «تلافی» سخن می‌گویند، اگر در همین چارچوب حقوقی تفسیر شوند، نه تنها اقدامی تندروانه، بلکه اعمال حقی مشروع برای بازگرداندن موازنه به هم خورده قدرت در منطقه خواهد بود. در سطح عملی، پیشنهاد می‌شود ایران ضمن تنظیم پرونده شکایت علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری به دلیل نقض حاکمیت، یک «لیست متقابل» از شناورهای آمریکایی و متحدانش که در طول سال‌های اخیر مرتکب نقض قوانین دریایی شده‌اند، تهیه و برای توقیف هدفمند به مراجع قضایی و نظامی خود ابلاغ کند. چنین اقدام هوشمندانه‌ای، ضمن حفظ وجهه حقوقی ایران، پیام روشنی به واشنگتن می‌فرساند: هر گونه تجاوز به دارایی‌های ملی، پاسخی متقارن و حساب‌شده در پی خواهد داشت. بدین ترتیب، اصل مقابله به مثل از یک تئوری انتزاعی به یک راهکار عملی برای صیانت از منافع ملی در عرصه پهناور دریاه تبدیل می‌شود.

#### سخن آخر

در پایان، آنچه در ماجرای کشتی توسکا رخ داد را نمی‌توان صرفاً یک برخورد دریایی یا اختلافی تحریری تلقی کرد؛ این رویداد آینه تمام‌نمای بحران عمیق‌تری است که نظم حقوقی شکننده حاکم بر دریاهای آزاد را به چالش کشیده است. جمهوری اسلامی ایران با استناد به سه پایه مستحکم آزادی کشتیرانی، ممنوعیت دزدی دریایی و تجاوز، و حق ذاتی دفاع مشروع، این فرصت را یافته تا نه تنها در قامت یک قربانی، بلکه به مثابه کنشگر قانون‌مدار و در عین حال بازدارنده در عرصه بین‌المللی ظاهر شود. واشنگتن هرچند سعی دارد چهره «مجری تحریم» را به نمایش بگذارد، اما واقعیت صحنه حاکی از آن است که شلیک به یک شناور تجاری و اشغال مسلحانه عرشه آن، هیچ نسبتی با ابزارهای اقتصادی یا دیپلماتیک ندارد و صرفاً یک اقدام یک‌جانبه زورمدارانه علیه حاکمیت ملی ایران محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، ملت ایران و نیروهای مسلح کشورمان به درستی بر این باورند که سکوت در برابر این تعرض، نه تنها امنیت دریایی کشور را تضعیف می‌کند، بلکه دیگر دولت‌های منطقه را نیز به هدفی آسان برای ماجراجویی‌های مشابه بدل خواهد ساخت. از این رو، پاسخ اعلام‌شده ایران نه یک تصمیم احساسی یا تلافی‌جویانه، بلکه اعمال حقی عقابلی و منطبق با موازین بین‌المللی است؛ پاسخی که هم تناسب را رعایت می‌کند و هم بازدارندگی لازم را برای جلوگیری از تکرار چنین تجاوزاتی فراهم می‌آورد. اکنون جامعه جهانی در برابر یک آزمون بزرگ قرار دارد: آیا می‌تواند میان «حق اعمال تحریم» و «ممنوعیت توسل به زور» تمایز قائل شود؟ آیا شورای امنیت از افعال در برابر این دزدی دریایی دولتی خارج خواهد شد؟ فارغ از پاسخ این پرسش‌ها، آنچه مسلم است اینکه کشتی توسکا با آن بدنه سوراخ‌شده، امروز به نمادی بدل شده از اراده ایران برای دفاع از هر وجب از دارایی‌های ملی خود، چه بر خاک باشد و چه بر موج‌های نیلگون خلیج فارس و دریای عمان.

اساس قطعنامه شورای امنیت یا اخذ مجوز از دولت صاحب پرچم را به کار نبسته است. در مقابل، تهران با صراحت از «دزدی دریایی مسلحانه ارتش آمریکا» سخن می‌گوید و این تعبیر، فراتر از یک اتهام سیاسی، ریشه در واقعیت عینی رویداد دارد: یک کشتی دولتی (ناوشکن آمریکایی) به یک کشتی خصوصی تجاری در آب‌های آزاد حمله می‌کند، خدمه را تحت سلطه می‌گیرد و محموله آن را تصرف می‌نماید. اگر نام بازیگران را از رویداد حذف کنیم و صرفاً به افعال انجام‌شده بنگریم، تطابق کامل با عناصر مادی جرم دزدی دریایی آشکار می‌شود. تفاوت اساسی اما در این نکته نهفته‌که آمریکا مدعی است این اقدام به «نام تحریم» انجام شده، در حالی که تحریم‌های یک‌جانبه هرگز در زمره مجوزهای مشروع توسل به زور در دریاهای آزاد قرار نمی‌گیرند. از این زاویه، آنچه رخ داده را می‌توان «دزدی دریایی دولتی» نامید؛ وضعیتی که حقوق بین‌الملل هرچند به صراحت آن را جرم‌گذاری نکرده، اما با استناد به اصول کلی حاکم بر روابط بین‌الملل، غیرقانونی و مغایر با نظم عمومی جهانی قلمداد می‌شود. این تشخیص، راه را برای پیگرد کیفری فرماندهان و عاملان این اقدام در دادگاه‌های ملی یا صلاحیت جهانی یا مراجع بین‌المللی هومار می‌سازد.

در سطحی فراتر از دزدی دریایی، برخی تحلیلگران حقوقی بر این باورند که حمله به کشتی توسکا را باید در زنجیره اقدامات خصمانه مستمر آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران ارزیابی کرد و آن را مصداقی از «جنایت تجاوز» بر اساس اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی به شمار آورد. ماده ۸ این اساسنامه، تجاوز را به کارگیری نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر تعریف می‌کند، مشروط بر اینکه به لحاظ ماهیت، شدت و دامنه، نقض آشکار منشور ملل متحد باشد. در نگاه نخست، شاید حمله به یک کشتی تجاری در مقایسه با حمله زمینی به خاک یک کشور، کوچک‌تر به نظر رسد، اما حقوق بین‌الملل امروزه کشتی حامل پرچم یک کشور را جزئی از قلمرو بسیار آن دولت محسوب می‌کند. بنابراین، هر گونه تعرض نظامی به یک شناور دولتی یا تجاری تحت پرچم یک کشور، در حکم تعرض به حریم حاکمیت ملی آن کشور تلقی می‌شود. در پرونده توسکا، استفاده از گلوله مستقیم برای از کار انداختن موتورخانه، پیاده‌کردن تفنگداران دریایی و اشغال فیزیکی عرشه به مدت نامحدود، همگی فراتر از یک اقدام پلیسی یا بازرسی معمول، ماهیت یک عملیات نظامی تمام‌عیار را دارند. اگر این عملیات را در بستر گسترده‌تری از اقدامات خصمانه از جمله ترور دانشمندان، حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی، تحریم‌های فلج‌کننده و تهدیدات مکرر به حمله نظامی قرار دهیم، گویی از رفتار تهاجمی هدفمند پدیدار می‌شود که به دشواری توان آن را در چارچوب دفاع مشروع یا اقدامات متقابل مجاز توجیه کرد. اساسنامه رم برای تحقق جرم تجاوز، نیازمند «اقدام آشکار» است؛ یعنی عملی که به دلیل ماهیت و شلیک به یک کشتی تجاری در آب‌های آزاد و تصرف آن بدون هیچ اعلام جنگ یا مجوز ششورای امنیت، بی‌گمان مصداق چنین عملی است. از منظر روزنامه، مهم‌ترین دستاورد این تحلیل تطبیقی، برجسته‌سازی تمایز میان «اعمال تحریم اقتصادی» و «اشغال فیزیکی و نظامی یک دارایی ملی» است. تحریم‌ها هرچند ظالمانه و غیراخلاقی، هنوز در چهارچوب ابزارهای اقتصادی تعریف می‌شوند، اما اشغال نظامی یک کشتنی، ورود به قلمرویی کاملاً متفاوت است که مرزهای صلاحیت و حاکمیت را درمی‌نوردد. ایران می‌تواند با استناد به این تمایز، ضمن محکومیت اقدام آمریکا در محافل بین‌المللی، پرونده این جنایت را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهد و بر ضرورت پاسخ متناسب و بازدارنده در چارچوب حقوق دفاع مشروع تأکید ورزد. این نگاه، از تقلیل ماجرا به یک اختلاف تحریمی فراتر رفته و آن را در قامت چالشی بنیادین برای تمامیت نظم حقوقی جهانی به تصویر می‌کشد.

#### حق ذاتی ایران در دفاع مشروع ومقابله به مثل (پاسخ متقابل)

وقت ی گلوله‌های شلیک‌شده از ناوشکن آمریکایی بدنه کشتی باری «توسکا» را در آب‌های آزاد خلیج عمان درید، نه یک حادثه معمولی دریایی، بلکه یک اقدام نظامی تمام‌عیار علیه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران رقم خورد. در چنین وضعیتی، نخستین پرسشسی که از منظر حقوق بین‌الملل به ذهن می‌رسد، چارچوب مجاز برای پاسخ تهران به این تجاوز است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد با صراحت تمام اعلام می‌دارد: «هیچ‌یک از مقررات منشور، حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی را در مواردی که حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای سازمان ملل متحد رخ دهد، محدود نمی‌سازد.» این حق، پیش‌از آنکه اکتسابی باشد، ذاتی و طبیعی هر دولت مستقل به شمار می‌رود و نیازی به کسب مجوز قبلی از شورای امنیت ندارد. در ماجرای توسکا، تشخیص «حمله مسلحانه» چندان دشوار نیست: شلیک مستقیم به موتورخانه، ایجاد انفجار و آتش‌سوزی، پیاده‌کردن تفنگداران مسلح و اشغال فیزیکی عرشه، همگی مصداق بارز استفاده از زور در معنای ماده (۴)۲ منشور محسوب می‌شوند. حتی اگر آمریکا این اقدام را در لافاه «اجرای تحریم» یا «بازرسی» پنهان کند، حقوق بین‌الملل به ظاهر عمل نظیر دارد نه به توجیه‌های پسینی. ایران از این رو حق دارد برای دفع تجاوز و بازپس‌گیری کنترل کشتی خود، به اقدامات نظامی محدود و متناسب دست بزند. اما نکته ظریف‌تر آنکه بیانیه‌های رسمی قرارگاه خات‌الانبیا به صراحت اعلام کرده‌اند: «پس از اطمینان از حفظ جان خانواده کارکنان کشتی، پاسخ ارتش